

پژوهش نامه مدیریت تحول، سال هشتم، شماره ۱۶، پاییز و زمستان ۱۳۹۵

اثر شادکامی بر تاب‌آوری با میانجی‌گری هوش عاطفی و هوش معنوی (مورد مطالعه: خبرنگاران روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران)

عباسعلی رستگار

دانشیار دانشگاه سمنان

بنفشه فتوت*

دکتری مدیریت رفتاری دانشگاه سمنان

سهیلا بورقانی فراهانی

استادیار وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

پدرام آبدارزاده

دکتری مدیریت رسانه دانشگاه تهران پردیس البرز

DOI: 10.22067/pmt.v8i16.56151

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی اثر شادکامی بر تاب‌آوری خبرنگاران روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران با در نظر گرفتن نقش میانجی هوش عاطفی و هوش معنوی انجام گرفت. از نظر روش‌شناسی، پژوهش حاضر کاربردی بوده و از نوع توصیفی-همبستگی است. جامعه آماری این پژوهش را کلیه خبرنگاران روزنامه‌های کثیرالانتشار شهر تهران تشکیل می‌دهد که جامعه‌ای نامعین بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری ترکیبی (طبقه‌ای متناسب و در دسترس) بر طبق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌ها از چهار پرسشنامه استاندارد شادکامی آکسفورد، پرسشنامه هوش عاطفی شرینگ، پرسشنامه هوش معنوی کینگ و پرسشنامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون استفاده شد. نتایج حاصل از تجزیه و تحلیل اطلاعات با روش مدل‌سازی معادلات ساختاری و با استفاده از نرم‌افزار لیزرل نشان می‌دهد که شادکامی خبرنگاران روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران، به طور مستقیم و همچنین با میانجی‌گری متغیرهای هوش عاطفی و هوش معنوی بر تاب‌آوری خبرنگاران اثر مثبت و معناداری دارد. در این پژوهش با توجه به نتایج، به مدیران سازمان‌های رسانه‌ای و خبرنگاران پیشنهاد می‌شود با همکاری و تعامل دوسویه نسبت به ایجاد زمینه‌های شادکامی در سازمان از قبیل تمرین شاد بودن، برگزاری دوره‌های مهارت هوش عاطفی و تمرین بیشتر جهت افزایش هوش معنوی در بین خبرنگاران تلاش نموده تا بدین ترتیب تاب‌آوری آن‌ها در محیط افزایش یابد.

کلیدواژه‌ها: شادکامی، هوش عاطفی، هوش معنوی، تاب‌آوری.

banafsheh.fotovat@gmail.com

* نویسنده مسؤول:

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۹/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۰۴/۱۴

مقدمه

اوایل قرن حاضر با ظهور مکتب روانشناسی مثبت‌گرا توسط سلیگمن و همکارانش همراه بود که اهداف عمده این مکتب، کمک به افراد دارای شخصیت سالم و شکوفاسازی قابلیت‌های انسانی بود (Keshavarzi & Yousefi, 2012). رویکرد روان‌شناسی مثبت‌گرا که بر مباحثی از قبیل تجارب مثبت، احساسات مثبت، ویژگی‌های شخصیتی مثبت و روابط اجتماعی متقابل مثبت متمرکز است (Pietrowsky & Mikutta, 2012) با شعار توجه به استعدادها و توانمندی‌های انسان (Joukar, 2007, p.4) به‌تازگی در حوزه سازمان و مدیریت، توجه بسیاری از پژوهشگران را به خود جلب نموده و بدین ترتیب، جنبش جدیدی با عنوان رفتار سازمانی مثبت‌گرا ایجاد شده است (Khalatbary & Bahari, 2010).

نتایج پژوهش‌های انجام شده در زمینه رفتار سازمانی مثبت‌گرا حاکی از آن است، که ظرفیت‌های روان‌شناختی، از قبیل: امیدواری، تاب‌آوری، خوش‌بینی و خودکارآمدی، در کنار هم، عاملی را با عنوان سرمایه روان‌شناختی تشکیل می‌دهند که می‌تواند مزیت رقابتی پایداری برای سازمان‌ها فراهم کند که منجر به ارتقای ارزش سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی در سازمان می‌شود (Khalatbary & Bahari, 2010, p.85). این رویکرد، هدف غایی خود را شناسایی سازه‌ها و شیوه‌هایی می‌داند که به‌زیستی انسان را فراهم می‌کند. از این رو عواملی که موجبات تطابق هر چه بیشتر آدمی با نیازها و تهدیدهای زندگی را سبب گردند، بنیادی‌ترین سازه‌های مورد پژوهش این رویکرد می‌باشند. در این میان، «تاب‌آوری» جایگاه ویژه‌ای، مخصوصاً در حوزه‌های روانشناسی تحولی و بهداشت روانی و رفتاری به خود اختصاص داده است (Joukar, 2007, p.4). تاب‌آوری را به معنای مهارت‌ها و خصوصیات و توانمندی‌هایی تعریف می‌کنند که فرد را قادر می‌سازد با سختی‌ها و چالش‌ها سازگار شود (Mikaili; Mokhtarpour & Mayssami, 2012, p.8). اهمیت تاب‌آوری این است که برخورداری از این خصوصیت باعث می‌شود افراد به رفتار سازگاران در موقعیت حل مسئله دست پیدا کنند، که بالاترین سطوح رشد را در حیطه‌های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی، بین‌فردی و ... شامل می‌شود و فرد را برای هماهنگی با پدیده‌های اطرافش و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می‌کند. همچنین افراد برای برخورد موفقیت‌آمیز با انواع شرایط استرس‌زا، علاوه بر خودکارآمدی و توانایی کنار آمدن با استرس و ناراحتی و حل مسائل به شیوه مطلوب، نیازمند تاب‌آوری هستند که به‌نوعی از عزت‌نفس و سلامت روانی خود در مقابل مشکلات محافظت کنند (Mashaekhi Dolat Abadi & Mohamadi, 2014, p.207). عوامل بسیاری در تاب‌آوری

فرد در برابر مشکلات دخیل هستند که از آن جمله می‌توان به سبک دلبستگی، عوامل فردی، عوامل خانوادگی، و عوامل اجتماعی، اشاره کرد (Zahed, Rezaei & Herfati, 2012, p.78).

کامپنر (۱۹۹۹) معتقد است که تاب‌آوری با خصوصیات شخصیتی متفاوت از قبیل شوخ طبعی، شادکامی، خردمندی، همدلی، کفایت عقلانی و هدفمندی زندگی در ارتباط است و موضوع ساده‌ای نیست، بلکه ساختاری پیچیده از جریان‌های مرتبط است که باید به صورت جداگانه بررسی شود به عنوان جنبه‌های مجزا از هم در سلامت مورد مطالعه قرار گیرند (Zahed; Rezaei & Herfati, 2012, p.78). در روانشناسی مثبت‌گرا «شادکامی» با خشنودی و رضایت از زندگی مترادف است (Buss, 2000). شادکامی بر نگرش و ادراکات شخصی مبتنی است و حالتی مطبوع و دلپذیر است و از تجربه‌های مثبت و رضایت از زندگی نشأت می‌گیرد (Kiamersy & Momeni, 2013, p.121).

افراد دارای روحیه شاد، هنگام انجام فعالیت‌های روزمره مثبت‌اندیشی را سرلوحه فعالیت‌های خود قرار می‌دهد و دارای قدرت چاره‌اندیشی بیشتر هنگام رویارویی با مشکلات کوچک و بزرگ زندگی هستند (Babolhavaeji et al., 2011, p.105). از دیگر عواملی که به نظر می‌رسد می‌تواند میزان تاب‌آوری را افزایش دهد، اعتقاد به حضور نیروی برتر در برخورد با موقعیت‌های حساس و خطرناک است که از آن به هوش معنوی تعبیر می‌شود (Mashaekhi Dolat Abadi & Mohamadi, 2014, p.208).

به عقیده یانگ و مائو با هوش معنوی به حل مشکلات با توجه به جایگاه، معنا و ارزش آن مشکلات می‌پردازیم؛ هوشی که قادریم توسط آن به کارها و فعالیت‌هایمان معنا و مفهوم بخشیده و با استفاده از آن بر معنای عملکردمان آگاه شویم (Yang & Mao, 2007, p.999). علاوه بر هوش معنوی، هوش عاطفی نیز ممکن است به طور مستقیم با تاب‌آوری در ارتباط باشد همان‌گونه که رفتار ناشی از هوش عاطفی، در واقع سازگاری با شرایط استرس‌زاست (Armstrong; Richard & Critchley, 2011, p.331). نظریه پردازان هوش عاطفی بر این باورند، که بین هوش عاطفی و قدرت مقابله با موقعیت‌های مخاطره‌آمیز رابطه مثبت وجود دارد و بالابودن هوش عاطفی را به عنوان یک عامل محافظت‌کننده مطرح نموده‌اند (Joukar, 2007, p.4).

در این پژوهش سعی شده است در حوزه دیدگاه نوین روانشناسی مثبت و رفتار سازمانی مثبت‌گرا که درصدد بررسی ظرفیت‌ها و قدرت‌های روان‌شناختی مثبت، و شکوفاسازی قابلیت‌های انسانی است به مطالعه و بررسی تأثیر تعدادی از متغیرها از قبیل شادکامی، هوش معنوی و هوش عاطفی بر تاب‌آوری در میان قشر خبرنگاران پرداخته شود. سازمان‌های رسانه‌ای با توجه به ویژگی‌های خاص خود مستلزم مدیریتی

متفاوت‌اند (Roshandel, 2007, p.9) و تفاوت‌ها و پیچیدگی‌های خاص خود را دارند که از ماهیت این سازمان‌ها و ویژگی‌هایی از قبیل برخورداری از محیط فعالیتی پیچیده، متغیر و نامطمئن و دشواری در سنجش اثربخشی ناشی می‌شود. همچنین در حوزه فعالیت شغلی خبرنگاران؛ مواردی از قبیل اهمیت بیش از حد عنصر زمان در اطلاع‌رسانی، پویا و متحول بودن محیط پیرامون سازمان رسانه‌ای، وجود سلاقی و انتظارات متفاوت و متغیر مخاطبان، حضور در موقعیت‌های متفاوت، بحرانی و چالشی، مصاحبه با افراد گوناگون و اغلب ناآشنا، شرایط کاری استرس‌زایی را برای فرد خبرنگار به همراه دارد که کنترل این موارد و تقویت تاب‌آوری خبرنگاران می‌تواند نتایج مثبتی را برای سازمان رسانه‌ای به همراه داشته باشد. در واقع دغدغه ذهنی پژوهشگران پس از انجام مصاحبه‌های مقدماتی با تعدادی از مدیران ارشد روزنامه‌های کثیرالانتشار و صاحب‌نظران عرصه رسانه کشور، ارتقاء و بهبود سطح تاب‌آوری در خبرنگاران به منظور تقویت رفتار سازگارانه برای هماهنگی با پدیده‌های اطراف و دستیابی به یکپارچگی درونی و بیرونی و برخورد موفقیت‌آمیز با انواع شرایط استرس‌زا است تا به نوعی با عزت‌نفس و سلامت روانی خود در مقابل مشکلات مربوط به شغل خبرنگاری از خود محافظت کنند؛ بنابراین از آنجا که با مطالعه ادبیات و پیشینه موضوع تحقیق، پژوهشی در زمینه تاب‌آوری و شادکامی در قشر خبرنگاران یافت نشد و با توجه به خلأ تحقیقاتی موجود، هدف پژوهش حاضر تعیین اثر شادکامی بر تاب‌آوری با در نظر گرفتن نقش میانجی هوش معنوی و هوش عاطفی در خبرنگاران روزنامه‌های کثیرالانتشار شهر تهران است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری

تاب‌آوری: یکی از مسائل مطرح در روانشناسی مثبت «تاب‌آوری» است. تاب‌آوری ظرفیت روبرو شدن، غلبه کردن و حتی قویتر شدن به وسیله تجربه مشکلات یا آسیب‌ها است. در فرایند تاب‌آوری دو شرط مهم وجود دارد: ۱. افراد با تهدیدهای مهم یا سختی‌های شدید روبرو می‌شوند، ۲. با وجود سختی‌ها و مشکلات مهم به سازگاری مثبت دست یافته و پیشرفت می‌کنند (Luthar; Cicchetti & Becker, 2000, p.543). والر، تاب‌آوری را سازگاری مثبت فرد در واکنش به شرایط ناگوار (آسیب‌ها و تهدیدات) می‌داند (Waller, 2001, p.290). در واقع، تاب‌آوری پدیده‌ای است که از پاسخ‌های انطباقی طبیعی انسان حاصل می‌شود و علیرغم رویارویی فرد با تهدیدهای جدی، وی را در دستیابی به موفقیت و غلبه بر

تهدیدها توانمند می‌سازد. (Khalatbary & Bahari, 2010, p.86) البته تاب‌آوری، تنها پایداری در برابر آسیب‌ها یا شرایط تهدیدکننده نیست و حالتی انفعالی در رویارویی با شرایط خطرناک نمی‌باشد، بلکه حضور فعال و سازنده در محیط پیرامونی خود است. می‌توان گفت تاب‌آوری، توانمندی فرد در برقراری تعادل زیستی-روانی در شرایط خطرناک است (Connor & Davidson, 2003, p.76). افزون بر این، اکثر پژوهشگران بر این باورند که: تاب‌آوری نوعی ترمیم خود با پیامدهای مثبت هیجانی، عاطفی و شناختی می‌باشد (Masten, 2001, p.227) و در افراد برای مقابله با هر دو نوع استرس منفی و مثبت حاصل از اتفاقات محل کار و یا زندگی شخصی مورد نیاز است (Kumari, 2015, p.27). زیرا افرادی که دچار استرس بازدارنده می‌شوند و توان مقابله با آن را از دست می‌دهند، از لحاظ جسمانی، روانی و رفتاری دچار آسیب می‌گردند (Hasan zade; Seyed Danesh & Ilbeygi Asli, 2014, p.115).

ماستن و همکارانش (۱۹۹۰) به سه خصوصیت بارز در افراد تاب‌آور اشاره دارند؛ این ویژگی‌ها عبارتند از: توانایی رشد و پیش رفت علی‌رغم شرایط ناگوار و پرخطر، بروز پیامدهای مثبت پس از تجربه کردن این تجارب مخاطره‌آمیز، داشتن عملکرد مناسب در شرایط تنیدگی و فشار روانی، و همچنین توانایی بازگشت به حالت تعادل اولیه، پس از تجربه کردن یک ضربه روحی ناگوار (Masten; Best & Garnezy, 1990, p.425) با یک جمع بندی کلی می‌توان تاب‌آوری را شامل موارد زیر دانست:

حفظ آرامش زیر فشار، انعطاف‌پذیری در مواجهه با موانع، اجتناب از راهبردهای فرسایشی، حفظ خوشبینی و احساسات مثبت به هنگام دشواری‌ها و خلاص شدن از موانع درونی. افراد تاب‌آور درجه‌هایی از سلامتی و استقلال را نشان می‌دهند. آن‌ها قادرند که خود فکر کنند و آن را عملی سازند و وقتی از محیط‌شان انتقاد دارند، قادر هستند که نظراتشان را به دیگران انتقال دهند. آن‌ها احساسات خوبی نسبت به اطرافیان دارند و توانایی‌هایشان را برای تغییر دادن محیط‌شان باور دارند (Mikaili; Mokhtarpour & Mayssami, 2012, p.8) بنابراین افراد برای برخورد موفقیت‌آمیز با شرایط استرس‌زا، علاوه بر خودکارآمدی و توانایی کنار آمدن با استرس و ناراحتی و حل مسائل به شیوه مطلوب، نیازمند تاب‌آوری هستند که به نوعی از عزت‌نفس و سلامت روانی خود در مقابل مشکلات محافظت کنند. (Mashaekhi Dolat Abadi & Mohamadi, 2014, p.207)

شادکامی: روانشناسان علاقه‌مند به حیطه روانشناسی مثبت‌گرا توجه خود را بر منابع بالقوه احساس‌های مثبت نظیر احساس شادکامی معطوف کرده‌اند. پاسخ‌های هیجانی بخش مهمی از تعاملات فیزیولوژیک انسان است که توانایی وی را برای بقاء و حفظ سلامت با بیماری‌های مختلف را تحت تأثیر قرار می‌دهد. شادی یکی از این هیجان‌هاست که دامنه وسیعی از کنش‌های عاطفی از احساس آرامش گرفته تا احساس لذت و خلسه را شامل می‌شود (Yaghoubi, 2010, p.8). شادکامی به عنوان یک کل در قالب رضایتی وسیع و همچنین غلبه احساسات مثبت به منفی و تمرکز بر کفه‌های عاطفی موقعیت‌های زندگی و همچنین به عنوان مفهومی در تقارن با حس درونی مثبت، خوشی افزاینده و انگیزه بخش برای همه رفتارهای انسان، تعریف شده است (Babolhavaeji et al., 2011, p.104). بر طبق نظر دینر و چان شادکامی بر سلامتی و افزایش طول عمر تأثیر دارد (Diener & Chan, 2011, p.1). و به عنوان مفهومی مثبت در حفظ سلامتی بسیار مهم و حیاتی است (Bekhet; Zauszniewski & Nakhla, 2008, p.12).

شادکامی دارای اثرات مثبتی و اثربخشی برای افراد مختلف است، از جمله این اثرات افزایش قدرت تفکر و ارتقاء کیفیت ارتباطات است. در این حالت احساس نوع دوستی افزایش یافته و افراد به دیگران کمک می‌کنند. افراد شادکام در مشاغل خود موفق‌ترند، وظایف خود را بهتر انجام داده و قدرت حل مساله بیشتری دارند (Babolhavaeji et al., 2011, p.104). آن‌ها همچنین، دارای حس مسئولیت‌پذیری بالا و نگرشی مثبت و خوشبینانه نسبت به رویدادهای اطراف خود هستند و به جای سوگیری‌های منفی نسبت به اتفاقات دنیای خود، سعی در استفاده بهینه از این وقایع می‌نمایند (Rojas, 2007, p.1).

همچنین طبق تحقیق می‌ریز (۲۰۰۲) افراد شاد در وجود خود احساس امنیت بیشتری می‌کنند، آسان‌تر تصمیم می‌گیرند، دارای روحیه مشارکتی بالاتری هستند و احساس رضایت آنها در زندگی بالاتر است (Babolhavaeji et al., 2011, p.104).

در مجموع، پژوهش‌ها و تحقیقات مربوط به شادی، نشان دهنده آن است که افراد شاد از نظر ساختار فکری، قضاوت و انگیزش با افراد ناشاد تفاوت دارند و از بازدهی فردی، خانوادگی، شغلی، تحصیلی و اجتماعی بالاتری برخوردار هستند (Lyubomirsky; Sheldon & Schkade, 2005, pp.112-111).

هوش معنوی: میتروف و دنتن (۱۹۹۹) معنویت را به عنوان احساس اولیه نسبت به ارتباط با خود، دیگران و سایر موجودات هستی تعریف می‌کنند (Fatemi & Moshabaki, 2014, p.32).

همچنین معنویت جستجویی مداوم برای یافتن معنا، هدف و فرجامی معین در زندگی تعریف شده است (Doaie & Azizi, 2012, p.33)؛ و هوش معنوی به توانایی‌ها و مهارت‌هایی برای توسعه و حفظ

ارتباط با منشأ غایی همه موجودات، کامیابی در جستجوی معنی زندگی، یافتن یک مسیر اخلاقی، درک معنویات و ارزش‌ها در زندگی شخصی و روابط بین فردی اشاره دارد. در واقع بواسطه هوش معنوی است که ما به سؤال سازی در ارتباط با مسائل اساسی و مهم در زندگی خود پرداخته و بوسیله آن در زندگی خویش تغییراتی ایجاد می‌کنیم (Tabarsa & Karkbandy, 2014, p.110).

از نظر کینگ هوش معنوی مجموعه‌ای از ظرفیتهای عقلی است که به آگاهی کامل و کاربرد انطباقی از جنبه‌های معنوی و جهان مافوق وجودی شخص کمک می‌کند و منجر به خروجی‌هایی مانند تفکر وجودی عمیق، افزایش معنا، شناسایی عالم مافوق و سلطه حالت‌های معنوی می‌شود (Zarei Matin; kheirandish & Jahani, 2011, p.75). اینموز هوش معنوی را کاربرد انطباقی اطلاعات معنوی با هدف تسهیل حل مسائل روزمره و دستیابی به هدف می‌داند. از منظر وی هوش معنوی هوشی است که ما را قادر می‌سازد تا به حل مسائل معنایی و ارزشی خود بپردازیم و همچنین هوشی است که می‌توانیم اعمال و زندگی خویش را بوسیله آن در بافتی وسیع‌تر، غنی‌تر و با معناتر قرار دهیم (Emmonz, 2000, p.3). سپسک هوش معنوی را توانایی کاربرد رویکرد چند حسی در حل مسأله و یادگیری همراه با گوش سپردن به ندای درون معرفی می‌کند؛ به عبارت دیگر هوش معنوی خودآگاهی عمیقی است که فرد بیشتر از جنبه‌های درونی‌اش آگاه شده و آن‌ها را درک می‌کند؛ به گونه‌ای که بشر در این حالت تنها جسم نبوده بلکه مجموعه‌ای از فکر، روح و بدن است. (Sisk, 2008, p.24). به عقیده یانگ هوش معنوی یک هوش قابل اعتماد است که شامل تفکر، مفهوم سازی و حل مسأله است. هوشی که قادر هستیم تا بوسیله آن به کارها و فعالیت‌های خود معنا و مفهوم بخشیده و با استفاده از آن از معنای عملکرد خود آگاه شویم و دریابیم که کدام یک از اعمال و رفتارهای ما از اعتبار بیشتری برخوردارند و کدام مسیر در زندگی ما عالی‌تر است تا آن را الگو و اسوه زندگی خود سازیم (Yang & Mao 2007, p.1000).

هوش معنوی باعث می‌شود تا فعالیت‌های روزمره و معمول زندگی با احساس آگاهی و حضور قلب و درک ارزش زندگی همراه باشد و حس تقدس را در انسان زنده کند و حتی مواجه شدن با مقولات ماورایی را تسهیل کند. هوش معنوی توانایی انسان بری شناسایی قوانین حاکم بر زندگی (قوانین معنوی و طبیعی) و تطابق زندگی با این قوانین است (Kord Naeij et al., 2012, p.130).

هوش عاطفی: هوش عاطفی برای اولین بار توسط سالووی و مایر در دهه ۱۹۹۰ مطرح شد (Shojaei & Emadi, 2014, p.1450). هوش عاطفی شامل توانایی نظارت بر عواطف و احساسات خود و دیگران، تفاوت قائل شدن بین آن‌ها و استفاده از این مفروضات برای هدایت فکر و عمل افراد است (Ardeshirzadeh & Farhangi, 2013, p.14). گلمن در سال ۱۹۹۸ با توجه به یافته‌های محققان پیشین هوش عاطفی را نوع دیگری از هوش معرفی کرد که مشتمل بر شناخت احساسات خویش و استفاده از آن برای اتخاذ تصمیم‌های مناسب در زندگی است (Taghizadeh & Soleimani, 2015, p.214). وی عناصر هوش عاطفی را به دو طبقه عناصر فردی و عناصر اجتماعی تقسیم می‌کند. عناصر فردی شامل خودآگاهی، خودکنترلی و انگیزش است و عناصر اجتماعی شامل همدلی و مهارت‌های اجتماعی است. خودآگاهی به معنای آگاه بودن از حالت روانی خود و نیز تفکر درباره آن حالت است (Goleman, 2001, p.46).

هوش عاطفی طبق تعریف بارآن عبارت است: مجموعه‌ای از مهارت‌ها، قابلیت‌ها و توانایی‌های غیرشناختی که قابلیت کلی ما را در پاسخ به نیازها و فشارهای محیطی به طور مؤثری تحت تأثیر قرار می‌دهد (Mandell & Pherwani, 2003, p.389). هوش عاطفی شکلی از هوش است که به تفاوت‌های افراد در شناخت احساسات، انگیزش و کنترل هیجانات هم در زمینه فردی و هم در روابط اجتماعی اشاره دارد (Petrides & Furnham, 2001, p.11). این نوع از هوش عاملی است که فرد را جهت تطابق با محیط آماده می‌سازد. این سازه به هنگام شکست در شخص ایجاد انگیزه کرده و به واسطه داشتن مهارت‌های اجتماعی بالا، منجر به برقراری رابطه خوب با مردم می‌شود (Ghare bighi & Rahimnai, 2013, p. 29).

هوش عاطفی اثرات قابل توجهی در احترام به دیگران و مراقبت انسان از رفتارش دارد (Kumari, 2015, p.293) و طبق یافته‌های رایبیز در سال ۲۰۰۷ هوش عاطفی می‌تواند نقش مهمی در محیط کار داشته باشد. محققانی مانند سارین در سال ۲۰۰۷ اظهار داشتند که هوش عاطفی کارکنان می‌تواند میزان عملکرد و بهره‌وری آنان را پیش بینی کند. توانایی به کارگیری هیجانات یا تولید هیجان برای تسهیل حل مسئله در کارایی اعضای گروه نقش مهمی ایفا می‌کند (Ardeshirzadeh & Farhangi, 2013, p.17).

پیشینه تجربی پژوهش

در زمینه رابطه شادکامی با تاب‌آوری برنز و همکاران (۲۰۱۰) در پژوهش خود به بررسی تأثیر شادکامی بر تاب‌آوری در گروه جوانان و میانسالان پرداختند و به این نتیجه رسیدند که شادکامی بر تاب‌آوری تأثیر

مثبت و معناداری دارد، همچنین امیری (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان رابطه هوش معنوی و شادکامی با تاب‌آوری دانشجویان دختر، تفنگچی (۲۰۱۴) در تحقیقی با عنوان ارتباط تاب‌آوری و شادکامی در بین زنان متأهل شاغل و خانه دار، مه‌نگار و پیکری‌فر (۲۰۱۳) در تحقیق خود با عنوان سرسختی روانشناختی و تاب‌آوری با شادکامی، به این نتیجه رسیدند میان هوش معنوی و شادکامی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد.

در زمینه رابطه هوش معنوی با تاب‌آوری پژوهش‌هایی از قبیل مرادی و همکاران (۲۰۱۵)، آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱)، مک کاسکر (۲۰۰۹)، گارگ و راستوکی (۲۰۰۹)، سالوی و همکاران (۲۰۰۰)، کشاورزی و یوسفی (۲۰۱۲) و جوکار (۲۰۰۷) یافت شد که همگی نشان می‌دادند که هوش معنوی بالا، در افزایش تاب‌آوری تأثیر دارد. همچنین در زمینه رابطه هوش عاطفی و تاب‌آوری تحقیقات نشان می‌دهند که هوش عاطفی همبستگی معنی داری با تاب‌آوری داشته و موجب افزایش تاب‌آوری می‌شود که در این میان می‌توان به نتیجه تحقیق کشتگار و جنابادی (۲۰۱۵)، ناکاشیما و کاندا (۲۰۰۵)، اسمیت و همکاران (۲۰۰۹)، پن و همکاران (۲۰۰۸)، امیری (۲۰۱۴)، خدابخشی کولائی و همکاران (۲۰۱۳)، کشاورزی و یوسفی (۲۰۱۲)، بنیانیان (۲۰۱۱) اشاره نمود.

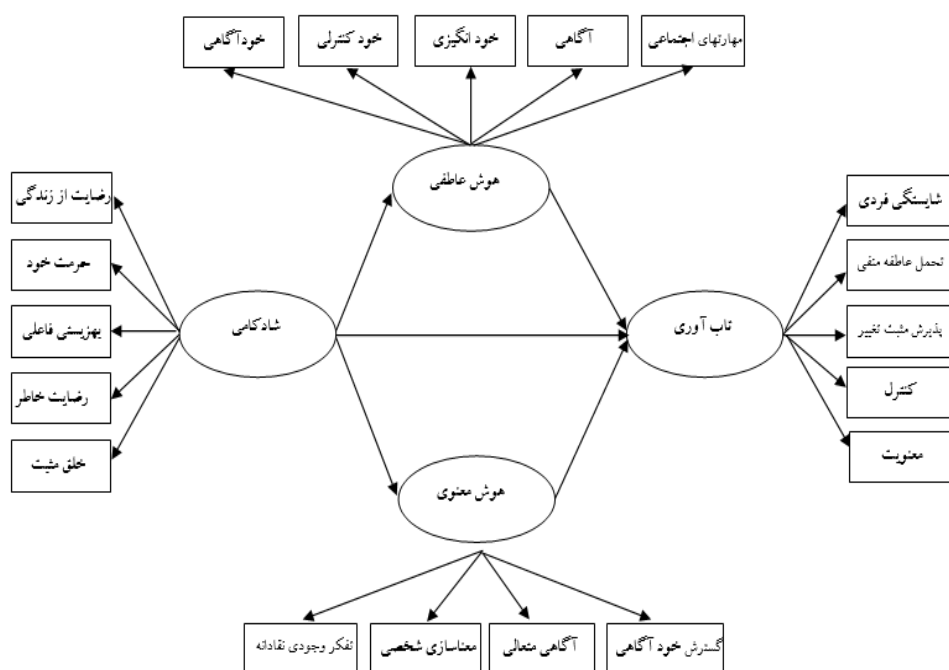
پژوهشی که مستقیماً در زمینه تأثیر شادکامی بر هوش معنوی انجام شده باشد یافت نشد؛ ولی پژوهش‌های مختلفی در رابطه میان هوش معنوی جهت پیش‌بینی شادکامی از قبیل باب الحوائجی و همکاران (۲۰۱۱)، یعقوبی (۲۰۱۰)، پولنر (۱۹۸۹)، دینر و همکاران (۲۰۰۲)، باقری و همکاران (۲۰۱۰)، رئیسی و همکاران (۲۰۱۳)، موریرا و آلمیدا (۲۰۰۶)، فرانسیس و رایبیز (۲۰۰۰) انجام شده است که همگی نشان دادند همبستگی معناداری بین هوش معنوی و شادکامی وجود دارد و با افزایش هوش معنوی، شادکامی افراد افزایش می‌یابد.

پژوهشی که مستقیماً در زمینه تأثیر شادکامی بر هوش عاطفی انجام شده باشد یافت نشد؛ تنها، پژوهشی با عنوان تأثیر آموزش شادکامی به شیوه شناختی- رفتاری فوردایس بر سلامت عمومی و هوش هیجانی دانشجویان که توسط یوسفی لویه و همکاران (۲۰۱۰) انجام شده بود، یافت شد که نشان می‌داد آموزش شادکامی به شیوه شناختی رفتاری موجب افزایش سلامت عمومی و هوش هیجانی دانشجویان شده است. سایر پژوهش‌ها در ارتباط با هوش عاطفی و تأثیر آن در شادکامی انجام شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به پژوهش‌های اکبری (۲۰۱۵)، تالمن (۲۰۱۴)، فارنهام (۲۰۰۳)، حسن نیا و همکاران (۲۰۱۴)، قلتاش و همکاران (۲۰۱۱)، رجبی و شیرعلی پور (۲۰۰۹)، شریعتی و رضانی (۲۰۰۹) اشاره نمود که همگی

همبستگی معناداری را بین هوش عاطفی و شادکامی نشان می‌دادند، به این معنا که هر چه افراد دارای هوش عاطفی بالاتری باشند از شادکامی بیشتری برخوردار خواهند بود. همان‌طور که ذکر شد با توجه به پیشینه پژوهش تحقیقی که به بررسی رابطه همزمان متغیرهای شادکامی، تاب‌آوری، هوش معنوی و هوش عاطفی در قشر خبرنگاران پردازد یافت نشد؛ بنابراین زمینه نوآوری پژوهش تأیید می‌شود.

مدل مفهومی

با مرور مبانی نظری و پیشینه پژوهش‌های گذشته، مدل مفهومی پژوهش به صورت شکل ۱ ترسیم شده است. شادکامی به عنوان متغیر مستقل و تاب‌آوری به عنوان متغیر وابسته می‌باشند و در این میان هوش عاطفی و هوش معنوی به عنوان متغیرهای میانجی ایفای نقش می‌کنند.



شکل ۱: مدل مفهومی پژوهش

فرضیه‌های پژوهش

بر اساس مدل به دست آمده برای این پژوهش، فرضیه‌های پژوهش تنظیم شده‌اند:

۱. شادکامی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت و معنادار دارد.
۲. شادکامی بر هوش عاطفی تأثیر مثبت و معنادار دارد.
۳. شادکامی بر هوش معنوی تأثیر مثبت و معنادار دارد.
۴. هوش عاطفی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت و معنادار دارد.
۵. هوش معنوی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت و معنادار دارد.
۶. شادکامی با میانجی‌گری هوش عاطفی بر تاب‌آوری تأثیر دارد.
۷. شادکامی با میانجی‌گری هوش معنوی بر تاب‌آوری تأثیر دارد.

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش پیش‌رو از دید هدف کاربردی و از نظر گردآوری اطلاعات جزو پژوهش‌های توصیفی از نوع همبستگی و به‌طور مشخص مدل‌یابی معادلات ساختاری است. جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه خبرنگاران روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران می‌باشد که جامعه‌ای نامعین بوده و بر طبق فرمول کوکران ۳۸۴ نفر به عنوان نمونه آماری انتخاب شدند؛ و به روش نمونه‌گیری ترکیبی (طبقه‌ای متناسب و در دسترس) پرسشنامه در اختیار آن‌ها قرار گرفت که در مجموع تعداد ۲۵۰ پرسشنامه بازگشت داده شد. برای جمع‌آوری اطلاعات مورد نیاز پژوهش از چهار پرسشنامه استاندارد شادکامی آکسفورد (۱۹۸۷) شامل ۲۹ سؤال و پنج مؤلفه (رضایت از زندگی، حرمت خود، بهزیستی فاعلی، رضایت خاطر و خلق مثبت)، پرسشنامه هوش عاطفی شرینگ (۱۹۹۶) شامل ۳۳ سؤال و پنج مؤلفه (خود-آگاهی، خودکنترلی، خودانگیزی، آگاهی اجتماعی، مهارت‌های اجتماعی)، پرسشنامه هوش معنوی کینگ (۲۰۰۸) شامل ۲۴ سؤال و چهار مؤلفه (تفکر وجودی نقادانه، معناسازی شخصی، آگاهی متعالی، گسترش خودآگاهی) و پرسشنامه تاب‌آوری کونور و دیویدسون (۲۰۰۳) شامل ۲۵ سؤال و پنج مؤلفه (شایستگی فردی، تحمل عواطف منفی و اعتماد به‌غرایز فردی، پذیرش مثبت تغییر و روابط ایمن، کنترل، معنویت)، استفاده شده است. درجه اهمیت هر کدام از سؤالات این پرسشنامه بر اساس طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت که ارزش عددی گزینه‌های آن از عدد ۱ برای کاملاً مخالف تا عدد ۵ برای کاملاً موافق است، می‌باشد. در این تحقیق جهت انجام آزمون‌های آمار توصیفی (میانگین و انحراف معیار) و بررسی رابطه بین متغیرها با استفاده از آزمون همبستگی پیرسون، از نرم‌افزار اسپس پی اس و برای بررسی

فرضیه‌های پژوهش با استفاده از تکنیک مدل‌سازی معادلات ساختاری و سنجش روایی سازه پرسشنامه‌ها با استفاده از تکنیک تحلیل عاملی تأییدی؛ از نرم‌افزار لیزل استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

جهت کسب اطمینان از روایی پرسشنامه‌ها، از روش روایی محتوا با استفاده از نظرات خبرگان استفاده شد. بگونه‌ای که پس از دریافت نظرها و پیشنهادهای خبرگان و اعمال اصلاحاتی در پرسشنامه اولیه، پرسشنامه نهایی میان پاسخ‌دهندگان توزیع شد. همچنین اعتبار سازه پژوهش، به کمک مدل تحلیل عاملی تأییدی مرتبه اول اندازه‌گیری شد. در مدل اندازه‌گیری، شاخص‌هایی به طور شایسته متغیر نهانی خود را اندازه‌گیری می‌کنند که ضرایب استاندارد آن‌ها بالاتر از $0/5$ باشد. همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، ضرایب استاندارد تمامی شاخص‌ها بیشتر از $0/5$ است. از آنجا که برآورد بار عاملی استاندارد شده باید $0/5$ یا بیشتر از آن باشد (به‌طور ایده‌آل $0/7$ یا بیشتر)، نتیجه می‌گیریم تمام شاخص‌ها به نحو مطلوبی متغیر نهانی خود را اندازه می‌گیرند. اعتبار سازه پژوهش همچنین با بررسی دو شاخص روایی همگرا و روایی واگرا نیز تأیید شد؛ به این معنا که نشانگرهای هر سازه در نهایت، تفکیک مناسبی را به لحاظ اندازه‌گیری نسبت به سازه‌های دیگر مدل فراهم آورند. روایی همگرا به مقداری که نشانگرها عامل مکنون مورد نظر را تبیین می‌کنند، اشاره دارد و روایی واگرا بر تمایز پذیری و استقلال عاملهای یکه حتی به لحاظ نظری مشابه ولی مستقل هستند، اشاره دارد. در جدول شماره ۲ روی قطر اصلی ریشه دوم میانگین واریانس تبیین شده و پایین قطر اصلی، ضرایب همبستگی پیرسون نشان داده شده‌اند و بعد از آن به ترتیب میانگین واریانس استخراج شده، میانگین متغیرها و انحراف معیار آنها قابل مشاهده می‌باشد. از آنجا که شاخص میانگین واریانس استخراج شده برای تمام سازه‌های مورد مطالعه بالاتر از $0/5$ هستند روایی واگرا تأیید شد. همچنین از آنجا که مقدار ریشه دوم میانگین واریانس تبیین شده روی قطر اصلی، بیشتر از تمامی ضرایب همبستگی متغیر مربوط نسبت به سایر متغیرها است لذا روایی واگرا نیز تأیید شد. در ادامه پایایی پرسشنامه‌ها به کمک ضریب آلفای کرونباخ بررسی شد و مقدار آن برای هر چهار پرسش‌نامه بیشتر از $0/7$ به دست آمد؛ به این معنا که پرسش‌نامه‌ها از پایایی مناسبی برخوردارند. نتایج تحلیل عاملی تأییدی در جدول شماره ۱، نتایج همبستگی متغیرها، روایی همگرا و روایی واگرا در جدول شماره ۲ و نتایج پایایی پرسشنامه‌ها در جدول شماره ۳ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول (۱): نتایج روایی سازه با استفاده از تحلیل عاملی تاییدی

سؤالات شادکامی	بار عاملی	سؤالات تاب‌آوری	بار عاملی	سؤالات هوش معنوی	بار عاملی	سؤالات هوش معنوی	بار عاملی
H1	۰/۷۳	R1	۰/۸۵	IS1	۰/۸۸	EI1	۰/۶۶
H2	۰/۸۶	R2	۰/۸۸	IS2	۰/۹۲	EI2	۰/۷۸
H3	۰/۶۶	R3	۰/۷۹	IS3	۰/۷۸	EI3	۰/۷۰
H4	۰/۷۸	R4	۰/۸۸	IS4	۰/۸۵	EI4	۰/۵۴
H5	۰/۷۸	R5	۰/۹۱	IS5	۰/۷۶	EI5	۰/۸۸
H6	۰/۷۲	R6	۰/۸۹	IS6	۰/۷۸	EI6	۰/۷۴
H7	۰/۷۳	R7	۰/۷۹	IS7	۰/۷۵	EI7	۰/۷۳
H8	۰/۶۷	R8	۰/۷۷	IS8	۰/۷۸	EI8	۰/۸۵
H9	۰/۸۱	R9	۰/۷۱	IS9	۰/۸۴	EI9	۰/۶۹
H10	۰/۸۹	R10	۰/۶۹	IS10	۰/۸۵	EI10	۰/۶۶
H11	۰/۷۹	R11	۰/۷۶	IS11	۰/۶۶	EI11	۰/۷۴
H12	۰/۷۸	R12	۰/۸۳	IS12	۰/۶۳	EI12	۰/۷۷
H13	۰/۹۳	R13	۰/۶۹	IS13	۰/۷۱	EI13	۰/۷۴
H14	۰/۶۱	R14	۰/۸۵	IS14	۰/۷۸	EI14	۰/۶۳
H15	۰/۷۸	R15	۰/۷۷	IS15	۰/۹۰	EI15	۰/۵۵
H16	۰/۸۴	R16	۰/۸۶	IS16	۰/۸۴	EI16	۰/۸۸
H17	۰/۷۵	R17	۰/۸۱	IS17	۰/۸۰	EI17	۰/۸۳
H18	۰/۶۴	R18	۰/۸۷	IS18	۰/۷۱	EI18	۰/۶۶
H19	۰/۷۸	R19	۰/۷۶	IS19	۰/۷۲	EI19	۰/۷۴
H20	۰/۷۹	R20	۰/۶۶	IS20	۰/۷۸	EI20	۰/۵۵
H21	۰/۸۲	R21	۰/۷۰	IS21	۰/۶۹	EI21	۰/۷۶
H22	۰/۷۷	R22	۰/۵۴	IS22	۰/۸۷	EI22	۰/۷۵
H23	۰/۸۸	R23	۰/۷۹	IS23	۰/۷۷	EI23	۰/۶۴
H24	۰/۸۸	R24	۰/۷۸	IS24	۰/۷۸	EI24	۰/۸۸
H25	۰/۸۸	R25	۰/۷۷	-	-	EI25	۰/۹۱
H26	۰/۶۹	-	-	-	-	EI26	۰/۵۸
H27	۰/۸۶	-	-	-	-	EI27	۰/۶۸

ادامه جدول (۱) از صفحه قبل

۰/۷۵	EI28	-	-	-	-	۰/۷۸	H28
۰/۸۱	EI29	-	-	-	-	۰/۸۴	H29
۰/۸۴	EI30	-	-	-	-	-	-
۰/۵۷	EI31	-	-	-	-	-	-
۰/۷۵	EI32	-	-	-	-	-	-
۰/۵۶	EI33	-	-	-	-	-	-

جدول (۲): نتایج همبستگی متغیرها، روایی همگرا و روایی واگرا و شاخص توصیفی

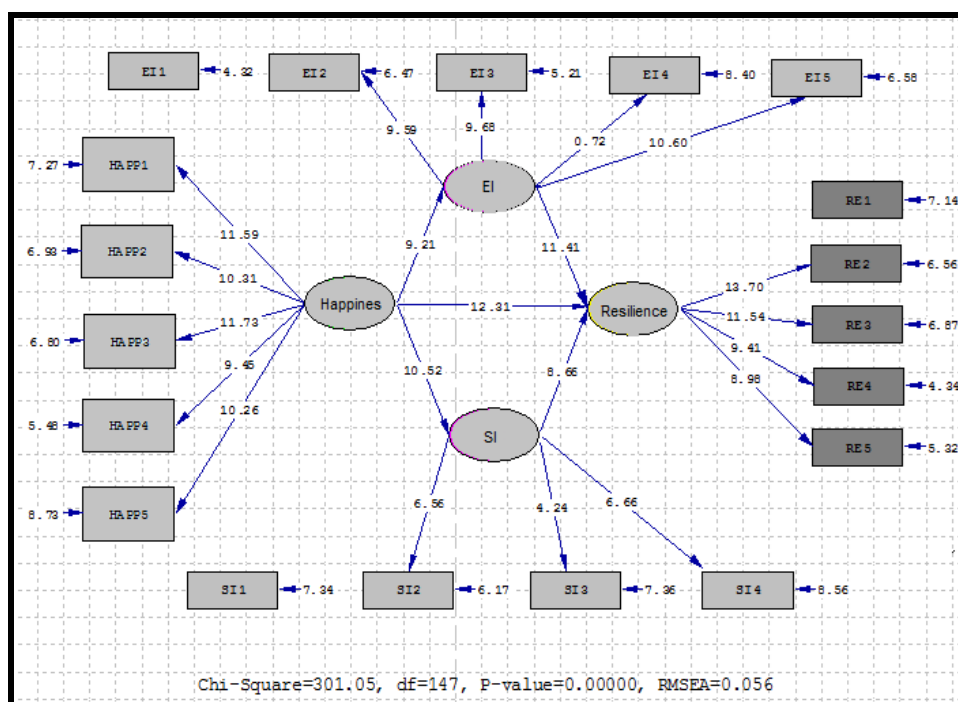
متغیرهای پنهان	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)
(۱) شادکامی	۰/۷۲۵			
(۲) هوش عاطفی	۰/۳۸۵	۰/۷۲۱		
(۳) هوش معنوی	۰/۴۲۶	۰/۲۰۹	۰/۷۸۵	
(۴) تاب‌آوری	۰/۳۴۸	۰/۲۶۰	۰/۲۷۴	۰/۷۸۴
میانگین وارینانس تبیین شده	۰/۵۲۶	۰/۵۲۰	۰/۶۱۶	۰/۶۱۵
میانگین	۳/۵۳۰۰	۳/۲۱۴۰	۳/۴۱۸۷	۳/۶۹۴۳
انحراف معیار	۰/۹۱۱۶۰	۰/۷۰۲۴۹	۰/۵۸۷۱۶	۰/۹۶۵۹۰

جدول (۳): نتایج پایایی متغیرهای پژوهش

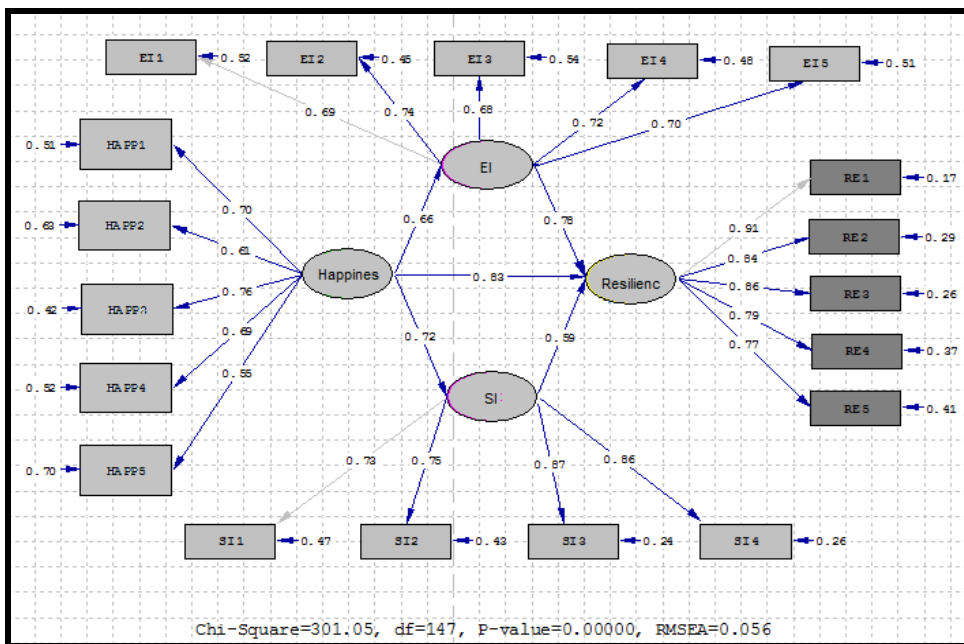
پرسشنامه	سؤالات	آلفای کرونباخ
شادکامی	۱-۲۹	۰/۸۱
هوش عاطفی	۱-۳۳	۰/۸۵
هوش معنوی	۱-۲۴	۰/۸۴
تاب‌آوری	۱-۲۵	۰/۸۹

بررسی مدل ساختاری تحقیق

جهت بررسی فرضیه‌ها و قابلیت تعمیم مدل ساختاری پژوهش، مدل معناداری پژوهش (مدل T) در شکل ۲ و مدل استاندارد شده پژوهش (نمودار ضرایب مسیر) در شکل ۳ نشان داده شده است. بر اساس نتایج، میزان تأثیر مستقیم شادکامی بر تاب‌آوری ۰,۸۳ و ضریب معناداری آن ۱۲,۳۱، میزان تأثیر شادکامی بر هوش عاطفی ۰,۶۶ و ضریب معناداری آن ۹,۲۱، میزان تأثیر شادکامی بر هوش معنوی ۰,۷۲ و ضریب معناداری آن ۱۰,۵۲، همچنین میزان تأثیر هوش عاطفی بر تاب‌آوری ۰,۷۸ و ضریب معناداری آن ۱۱,۴۱ و میزان تأثیر هوش معنوی بر تاب‌آوری ۰,۵۹ و ضریب معناداری آن ۸,۶۶ به دست آمده است. همچنین اثر غیر مستقیم شادکامی بر تاب‌آوری از طریق متغیر میانجی هوش عاطفی $0,51 = (0,72 \times 0,66)$ و از طریق متغیر میانجی هوش معنوی $0,42 = (0,59 \times 0,72)$ برآورد شد که نشان از تأیید نقش میانجی هوش عاطفی و هوش معنوی در این اثر می‌باشد. از آنجا که همه ضرایب معناداری در بازه $+1/96$ و $-1/96$ قرار ندارند، به این ترتیب تمامی فرضیه‌های پژوهش تأیید شده و می‌توان مدل نهایی پژوهش را به جامعه آماری تعمیم داد.



شکل ۲: مدل برونداد نرم‌افزار لیزرل در حالت معناداری پارامترها



شکل ۳: مدل برونداد نرم‌افزار لیزرل در حالت تخمین ضرایب استاندارد

جدول (۴): ضرایب مسیر، آماره t و نتیجه فرضیه‌های تحقیق

نتیجه آزمون فرضیه	عدد معنی داری	ضریب تأثیر	فرضیات تحقیق	
تأیید	۱۲,۳۱	۰,۸۳	شادکامی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۱
تأیید	۹,۲۱	۰,۶۶	شادکامی بر هوش عاطفی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۲
تأیید	۱۰,۵۲	۰,۷۲	شادکامی بر هوش معنوی تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۳
تأیید	۱۱,۴۱	۰,۷۸	هوش عاطفی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۴
تأیید	۸,۶۶	۰,۵۹	هوش معنوی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت و معنادار دارد.	۵
تأیید	اثر مستقیم ۰,۸۳ اثر غیر مستقیم ۰,۵۱		شادکامی با میانجی‌گری هوش عاطفی بر تاب‌آوری تأثیر دارد.	۶
تأیید	اثر مستقیم ۰,۸۳ اثر غیر مستقیم ۰,۴۲		شادکامی با میانجی‌گری هوش معنوی بر تاب‌آوری تأثیر دارد.	۷

همچنین نتایج برازش مدل ساختاری در جدول ۳، نشان می‌دهد مدل پژوهش از برازش مناسبی برخوردار است. شاخص‌های خوب بودن برازش مدل عبارت از: X^2/df ، P-VALUE و RMSEA و GFI و AGFI می‌باشند. در نرم‌افزار لیزرل X^2/df (کای دو به درجه آزادی) هر چه این مقدار کوچک‌تر از ۳ باشد مدل دارای برازش (تناسب) بهتری است. شاخص RMSEA، همان میانگین مجذور خطاهای مدل است. این شاخص بر اساس خطاهای مدل ساخته می‌شود. حد مجاز این مقدار ۰/۸ است یعنی اگر زیر ۰/۸ باشد قابل قبول است، اگر زیر ۰/۵ باشد خیلی خوب است. همچنین اگر مقادیر GFI و AGFI بالاتر از مقدار ۰/۹ می‌باشد مدل اندازه‌گیری از برازش خوبی برخوردار است. نتایج به دست آمده در جدول ۵ برازش مناسب مدل مفهومی تحقیق را تأیید می‌کنند.

جدول (۵): شاخص‌های برازش نیکویی مدل

شاخص	مقادیر
RMSEA	۰/۰۵۶
GFI	۰/۹۳
X^2/df	۲/۰۴
AGFI	۰/۹۱

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

اطلاع‌رسانی و آگاهی بخشیدن به اجتماع انسانی وظیفه‌ای دشوار است که خبرنگاران آن را بر دوش می‌کشند؛ خبرنگاران به طور مستقیم بر روح و روان مردم تأثیر می‌گذارند و از شغلی حساس و پر مسئولیت برخوردارند. حرفه خبرنگاری پس از کار در معدن و بازیگری به عنوان سومین شغل سخت دنیا معرفی شده است. در کشور ما خبرنگاران با مشکلات بسیاری دست و پنجه نرم می‌کنند؛ مشکلاتی از قبیل سختی و فشار کاری، طولانی شدن برخی از برنامه‌ها، عدم ساعت و زمان بندی مشخص، در مظان اتهام قرار گرفتن، عدم جایگاه ثابت و نبود هیچ گونه تضمینی برای آینده شغلی آنان، نداشتن حقوق و مزایا و بیمه از مشکلات کلی خبرنگاران است. تمامی این مشکلات عوامل استرس‌زای شدیدی است که تهدیدکننده سلامت روانی خبرنگاران می‌باشند و نیاز به تاب‌آوری در این حرفه را بسیار ضروری می‌نماید. تاب‌آوری که به مفهوم مقابله با مشکلات در رویدادهای ناگوار و پاسخ انعطاف‌پذیر به فشارهای زندگی روزانه است، نوعی ویژگی است که از فردی به فرد دیگر متفاوت است و می‌تواند به مرور زمان رشد کند یا کاستی یابد (Khalatbary & Bahari, 2010, p.91). لذا در این مقاله تلاش شده است تا در راستای هدف

پژوهش که همان مطالعه اثر شادکامی بر تاب‌آوری خبرنگاران روزنامه‌های کثیرالانتشار تهران با در نظر گرفتن نقش میانجی هوش عاطفی و هوش معنوی می‌باشد، به بررسی برخی عوامل مهم در رشد تاب‌آوری خبرنگاران پردازیم. بر اساس یافته‌های این پژوهش، وجود شادکامی، هوش عاطفی و هوش معنوی در خبرنگاران باعث افزایش تاب‌آوری آن‌ها می‌شود. لذا، نتایج حاصل به شرح ذیل بحث می‌شود:

نتایج بررسی فرضیه اول نشان داد که شادکامی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ که این یافته با نتایج پژوهش برنز و همکاران (۲۰۱۰)، امیری (۲۰۱۴)، تفنگچی (۲۰۱۴)، مه‌نگار و پیکری فر (۲۰۱۳)، همسو می‌باشد. شادی در بهبود و افزایش سلامت جسمانی و روانی نقش موثری دارد و باعث افزایش احساس امنیت، رضایت در زندگی و ارتقای مشارکت افراد می‌گردد. افراد شاد تمایل دارند خود و دیگران را مثبت ببینند و وقایع را مثبت تفسیر نمایند. همچنین در نظریه‌های روان‌شناختی اعتقاد بر این است که افراد شاد کام رویدادهای خنثی را به صورت مثبت و رویدادهای مثبت را مثبت‌تر در نظر می‌گیرند. شادکامی و خلق مثبت برای افراد، اثرات مفیدی به همراه دارد؛ از جمله این که باعث تأمل بیشتر افراد شده و کیفیت ارتباطات را بالا می‌برد، قدرت تحمل را افزایش می‌دهد، افراد نوع دوست می‌شوند و به دیگران کمک می‌کنند، تفکرشان بیشتر خلاق شده و عملکرد شغلی بهتری دارند، بهتر کار می‌کنند و بیشتر قادر به حل مسأله و رویارویی با شرایط مبهم و استرس‌زا می‌شوند و به بیان دیگر توان تاب‌آوری و سازگاری موفقیت‌آمیز آن‌ها را علی‌رغم شرایط چالش برانگیز و تهدیدکننده در شرایط سخت افزایش می‌یابد؛ بنابراین خبرنگاران می‌بایست به افزایش شادکامی خود جهت رویارویی با شرایط استرس‌زای شغل خبرنگاری و افزایش توان تاب‌آوری خود، اقدام نموده و باورها و عقاید و فرضیه‌های اشتباه خود را شناخته و آن‌ها را تغییر دهند؛ زیرا انسان‌ها می‌توانند با تربیت کردن و نظم بخشیدن افکارشان زندگی را مملو از کامروایی، خلاقیت و رضایت بخش نمایند. توصیه می‌شود خبرنگاران از طریق ترسیم تصویری مثبت از جسم، روح و شخصیت خود، زندگی کردن در زمان حال، داشتن برنامه‌ریزی مناسب، پرورش حس شوخ طبعی، داشتن رفتار مهربانانه با دیگران، خوش بین بودن، درک لذت‌های زندگی، گذشت و بخشیدن دیگران، استفاده از راهکارهای مناسب برای کنترل اضطراب‌ها، ورزش و تمرین سعه صدر شادکامی خود را افزایش دهند و به این ترتیب تاب و توان خود را در رویارویی با مسائل و مشکلات روزانه افزایش دهند. همچنین در این میان می‌بایست به نقش مدیران سازمان‌های رسانه‌ای بعنوان افرادی که می‌توانند با برنامه‌ریزی‌های مدون زمینه را برای دستیابی خبرنگاران به شادکامی فراهم آورند تاکید نمود. مدیران سازمان‌های رسانه‌ای می‌بایست با پشتیبانی و حمایت صمیمانه از خبرنگاران و حذف

موانع ارتباطی و تلاش برای برقراری ارتباطات مستحکم و صمیمانه با خبرنگاران به توسعه شادکامی در سازمان پیردازند، زیرا برقراری ارتباط بیشتر با خبرنگاران از نگرانی‌های احتمالی آن‌ها در مورد کارشان کاسته و موجب می‌شود آن‌ها احساس شادی و امنیت بیشتری داشته باشند، همچنین می‌بایست به تشکیل انجمن‌های خبرنگاری و طراحی نظام پاداش و مزایای خاص برای خبرنگاران و طراحی حقوق و بیمه مناسب کمک نموده، و از این طریق مقدار زیادی از نگرانی‌ها و استرس شغلی، و به تبع آن فرسودگی شغلی و خشونت خبرنگاران را کاهش دهند. پیشنهاد می‌شود با توجه به حرفه خبرنگاری که نیازمند میزان خلاقیت فردی بالایی است، با اعطای میزان مشخصی اختیار به خبرنگاران جهت افزایش انگیزه و خلاقیت آن‌ها شوند زیرا اگر به خبرنگاران اجازه داده شود کارهایی را که از آن‌ها انتظار می‌رود به شیوه خودشان انجام دهند، نه تنها خوشحال تر می‌شوند، بلکه به این دلیل که دیگر لازم نیست وقت خود را برای گرفتن تأیید افرادی که در رتبه‌های بالاتر قرار دارند، تلف کنند، کارایی بالاتری هم خواهند داشت. همچنین به مدیران سازمان‌های رسانه‌ای توصیه می‌شود با طراحی مناسب محیط کار و توجه به عواملی از قبیل روشنایی مناسب، مبلمان اداری مناسب، خوشبو بودن محیط و استفاده از ترکیب رنگهای شاد در طراحی سازمان، محیطی دلپذیر در محل کار برای خبرنگاران فراهم نمایند چون هرچه افراد محل کار خود را بیشتر دوست داشته باشند، شادتر خواهند.

نتایج بررسی فرضیه دوم نشان داد که شادکامی بر هوش عاطفی تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ که این یافته با نتایج پژوهش یوسفی لویه و همکاران (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. افراد با هوش عاطفی بالا، در شناخت و کنترل احساسات خود که موجب افزایش قدرت سازگاری و تفکر بیشترشان می‌شود توانایی زیادی دارند؛ آن‌ها فشار روانی کمتری را تحمل می‌کنند و از مهارت‌های مدیریت استرس خوبی برخوردارند؛ توانایی برقراری ارتباط مطلوب با دیگران دارند که همین امر باعث می‌شود به خوبی احساسات آن‌ها را درک نمایند، با آن‌ها همدل شوند و رابطه رضایت بخشی داشته باشند در واقع هوش عاطفی بالا این توانایی را به افراد می‌دهد که از دخالت عوامل نامطلوب درونی و بیرونی نظیر ناامیدی و خستگی، عوامل هیجانی منفی، فشارهای روانی اطرافیان و سایر عوامل مزاحم پیشگیری کنند. از آنجا که شادکامی بر هوش عاطفی تأثیر مثبت و معناداری دارد لذا واجب است در جهت افزایش شادکامی خبرنگاران اقدام شود. به خبرنگاران توصیه می‌شود برای افزایش شادکامی خود احساسات و هیجانات خود را شناسایی و کنترل کنند، برداشت صحیح از احساسات دیگران داشته باشند، افکار منفی را از خود دور نمایند، تعاملات اجتماعی و روابط صمیمانه با دیگران داشته باشند، فعالیت‌های هدفمند و معنادار در زندگی داشته و برنامه ریزی صحیحی در

زندگی خود ایجاد نمایند، تا در نهایت هوش عاطفی آنان تقویت گردد. همچنین به مدیران سازمان‌های رسانه چاپی توصیه می‌گردد از طریق برگزاری کلاس‌ها و برنامه‌های ورزشی و تفریحی مخصوص خبرنگاران، از قبیل ایجاد تیم فوتبال خبرنگاران علاوه بر تقویت شادی در خبرنگاران زمینه شناخت و برقراری ارتباط بیشتر میان همکاران خبرنگار و سایر کارکنان در سازمان را ایجاد نمایند، این روابط خود منجر به ایجاد حس اعتماد و تفکر مثبت در میان خبرنگاران شده و خود موجب بالا رفتن هوش عاطفی خبرنگاران می‌شود.

نتایج بررسی فرضیه سوم نشان داد که شادکامی بر هوش معنوی تأثیر مثبت و معنادار دارد. پژوهشی در زمینه تأثیر شادکامی بر هوش معنوی در پیشینه یافت نشد ولی در راستای بررسی همبستگی میان هوش معنوی و شادکامی می‌توان به نتایج پژوهش پولنر (۱۹۸۹)، دینر و همکاران (۲۰۰۲)، باقری و همکاران (۲۰۱۰)، رئیسی و همکاران (۲۰۱۳)، موریرا و آلمیدا (۲۰۰۶) اشاره نمود که همبستگی مثبت و معناداری را بین این دو متغیر اثبات نموده‌اند. شادی یک احساس درونی است که همراه با نشاط، خنده، لذت، امید، احساس رضایت و خوشبینی در فرد به وجود می‌آید. افراد شادکام، افکار و رفتارهایی دارند که سازگار و کمک‌کننده می‌باشند و با دید روشنی به امور می‌نگرند، دعا و نیایش دارند و به طور مستقیم برای مسائل خود تلاش و کوشش نشان می‌دهند. شادکامی سرچشمه اعتماد خوش‌بینانه فرد به توانایی‌هایش و یکی از شرایط اعتلای مناسبات واقعی او با محیط پیرامونش است، شرطی که پرورش فکری و اخلاقی بدون آن معنا ندارد و از آنجا که هوش معنوی به عنوان هوش غایی که مسائل معنایی و ارزشی را نشان می‌دهد و ظرفیت‌های سازگاری روانی را با عوامل استرس‌زا و سختی‌ها در بر می‌گیرد و شادی با احساس نزدیک بودن به خدا و داشتن تصور دوستانه از خداوند ارتباط دارد، جهت افزایش هوش معنوی توصیه می‌شود شادکامی خبرنگاران از طریق تدوین برنامه‌های طبیعت‌گردی و کوهنوردی که موجب آزاد شدن تفکر از مسائل پیش‌افتاده و تفکر در زمینه مسائل ارزشی و با معنا در زندگی شده، از طرف سازمان‌های رسانه‌ای افزایش یابد. پیشنهاد می‌شود مدیران سازمان‌های رسانه‌ای نهادینه نمودن شادی در جامعه خبرنگاران را از وظایف خود بدانند و با تعیین بودجه مشخص برای این موضوع، هزینه نمایند چرا که تقویت هر یک از ابعاد شادکامی و هوش معنوی موجب ارتقای رضایت خبرنگاران از وضعیت خود شده و به تبع آن سطح کیفیت کاری آنان ارتقا می‌یابد.

نتایج بررسی فرضیه چهارم نشان داد که هوش عاطفی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ به عبارت دیگر افرادی که از هوش عاطفی بالایی برخوردارند در شرایط دشوار، تاب‌آوری بیشتری نشان می‌دهند.

که این یافته با نتایج پژوهش مرادی و همکاران (۲۰۱۵)، آرمسترانگ و همکاران (۲۰۱۱)، مک کاسکر (۲۰۰۹)، گارگ و راستوکی (۲۰۰۹)، سالوی و همکاران (۲۰۰۰)، کشاورزی و یوسفی (۲۰۱۲) جوکار (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. هوش عاطفی بالا با احساس خودکارآمدی، کنار آمدن با موقعیت‌های استرس زا و ارزیابی رویدادهای استرس زا به عنوان چالش و فرصتی برای یادگیری نه تهدیدی برای امنیت، رابطه دارد. افراد دارای هوش عاطفی بالا به احتمال بیشتری حمایت دیگران را جست و جو می‌کنند و در این امر موفق هستند. آن‌ها می‌توانند با تنظیم عواطف و احساسات خویش و کنترل آن‌ها روابط سازنده‌تری با دیگران برقرار نمایند و قادر به توسعه روابط خود با سایرین و ایجاد شبکه‌های اجتماعی گسترده باشند و به این ترتیب از منابع حمایتی زیادی از قبیل خانواده، دوستان، همکاران و مافوقان برخوردار خواهند بود که موجب می‌شود تا در مواقع رویارویی با سختی‌ها و تنش‌های کاری با کمک گرفتن از این منابع و با تکیه بر این روابط مثبت، به دریافت اطلاعات لازم در باب مشکلات و مسائل کاری خود پردازند یا اینکه از کمک و یاری همکاران و مافوقان خود برخوردار گردند و به این ترتیب پیامدهای منفی کمتری را تجربه کنند که این امر در شرایط استرس زا کمک زیادی به آن‌ها در تاب آوری در برابر مشکلات می‌نماید. همچنین افراد دارای هوش عاطفی بالا بازخوردهای سازنده و مثبت و غیر رسمی بیشتری دریافت می‌نمایند که در افزایش اعتماد بنفس آن‌ها در رویارویی با مشکلات مؤثر می‌باشد. لذا با توجه به اینکه هوش عاطفی یک ویژگی آموختنی و اکتسابی است به مدیران سازمان‌های رسانه چاپی پیشنهاد می‌شود با برگزاری دوره‌های مختلف آموزشی مناسب مانند کلاس‌های شخصیت‌شناسی، مهارت‌های شنود مؤثر، شناخت پیام‌های غیر کلامی، مهارت‌های کنترل خشم و اضطراب و ... مهارت‌های هوش عاطفی خبرنگاران را از قبیل خود کنترلی و برخورد مناسب با مخاطبان، همکاران، مافوقان و سایر افراد در اجتماع، افزایش دهند تا به این ترتیب تاب‌آوری آن‌ها در محیط افزایش یابد.

نتایج بررسی فرضیه پنجم نشان داد که هوش معنوی بر تاب‌آوری تأثیر مثبت و معنادار دارد؛ که این یافته با نتایج پژوهش کشتگار و جنابادی (۲۰۱۵)، ناکاشیما و کاندا (۲۰۰۵)، اسمیت و همکاران (۲۰۰۹)، پن و همکاران (۲۰۰۸)، امیری (۲۰۱۴)، خدابخشی کولائی و همکاران (۲۰۱۳)، کشاورزی و یوسفی (۲۰۱۲)، بنیانیان (۲۰۱۱) همسو می‌باشد. از آنجا که هوش معنوی و معنویت در کار به زندگی کاری معنا بخشیده و باعث می‌شود که فرد کارش را ارزشمند پندارد و مبتنی بر هدفی متعالی تلقی کند و در پرتو تجربه‌ای معنوی و احساس یگانگی و یا ظهور و حضور نیروی فراطبیعی در کار، شهود و خلاقیتش تقویت شده و توانایی حل مسائل و رویارویی با عوامل استرس زا و تاب‌آوری برای او متبلور شود. لذا تلاش در جهت

رشد هوش معنوی برای خبرنگاران از طریق انجام تمرین‌های تأملی مانند مراقبه، آگاهی هوشیارانه و پرورش خودآگاهی، افزایش وسعت نظر و گشودگی، حساسیت زیاد نسبت به تجارب و واقعیاتی نظیر حالت تعالی و موضوع‌های معنوی، تقویت رفتارهای اخلاقی، جستجوی معنای اصلی موقعیت‌ها و مطرح کردن «چرا» برای مسائل و تلاش برای برقراری ارتباط میان رویدادها، توصیه می‌شود. همچنین آن‌ها در جهت رشد هوش معنوی می‌بایست ارزش‌های خود را شناسایی نموده، به اهداف و خواسته‌های خود بیندیشند و به زندگی خود چشم انداز و تعادل دهند. بیش جهانی و بیش شخصی خود را ترکیب کنند و ارتباط خود را با دیگران، طبیعت و جهان هستی بشناسند و بر عشق و دلسوزی تمرکز نموده و در زمینه‌هایی از قبیل زندگی، مرگ، زندگی پس از مرگ، واقعیت تفکر نمایند. مدیران سازمان‌های رسانه چاپی نیز می‌توانند با برگزاری کلاسهای عرفان و خداشناسی زیر نظر اساتید متبحر و متخصص و برنامه‌های پرسش و پاسخ در این زمینه، توجه خبرنگاران به موضوعات معنوی در سازمان را افزایش دهند. همچنین توصیه می‌شود با نصب تابلوهایی از احادیث و آیه‌های قرآن بر روی دیوارها زمینه توجه بیشتر خبرنگاران و سایر کارکنان را به مسائل ارزشی و معرفتی افزایش دهند تا به این ترتیب با بالابردن هوش معنوی خبرنگاران، تاب‌آوری آن‌ها در رویارویی با مسائل و چالشهای پیش رو افزایش یابد.

نتایج بررسی فرضه ششم و هفتم نشان دادند که شادکامی علاوه بر تأثیر مستقیم بر تاب‌آوری، بطور غیرمستقیم نیز (با میانجی‌گری هوش عاطفی و هوش معنوی) بر این متغیر تأثیر می‌گذارد. تأثیر غیرمستقیم شادکامی بر تاب‌آوری از طریق متغیر هوش عاطفی (۰,۵۱) مثبت و معنادار بود که مقدار این تأثیر از حاصل ضرب «تأثیر شادکامی بر هوش عاطفی» در مقدار «تأثیر هوش عاطفی بر تاب‌آوری» (۰,۷۸ × ۰,۶۶) به دست آمد و همچنین تأثیر غیرمستقیم شادکامی بر تاب‌آوری از طریق متغیر هوش معنوی (۰,۴۳) مثبت و معنادار بود که مقدار این تأثیر از حاصل ضرب «تأثیر شادکامی بر هوش معنوی» در مقدار «تأثیر هوش معنوی بر تاب‌آوری» (۰,۵۹ × ۰,۷۲) به دست آمد. پژوهشی در راستای نقش میانجی هوش عاطفی و هوش معنوی در تأثیر شادکامی بر تاب‌آوری یافت نشد ولی از آنجا که مشخص شد هوش عاطفی و هوش معنوی در افزایش تاب‌آوری نقش بسزایی دارند لذا ارتقای هوش عاطفی و هوش معنوی خبرنگاران در جهت رویارویی با شرایط سخت کاری بسیار مهم و اثرگذار می‌باشد.

References

Ardeshirzadeh, C., & Farhangi, A. (2013). The relationship between emotional intelligence and communication aversion, *Journal of Studies and Social Research in Iran*, 4, 9-27. (in persian)

Armstrong, R. G.; Richard, A., & Critchley, C. (2011). Emotional intelligence and psychological resilience to negative life events, *Journal of Personality and Individual Differences*, 51, 331–336

Babolhavaeji, F.; Rostami Nasab, A. A.; Taj al-Dini, O.; Hasheminasab, FH. (2011). Examine the relationship between spiritual intelligence and happiness librarians working in the libraries of Tehran university. *Journal of Research in Library and Information Research*, 58, 101-121. (in persian).

Bekhet, A. K.; Zauszniewski, J. A., & Nakhla, W. E. (2008). Happiness: theoretic-al and empirical considerations, *Nursing Forum*, 43 (1), 12 -23.

Bogar, Ch., & HulseKillacky, D. (2006). Resiliency determinants and resiliency Processes among female adult survivors of childhood sexual abuse, *Journal of Counseling & Development*, 83(3), 318-327

Buss, D. (2000). The evolution of happiness, *American Psychologist*. 55(1), 15-23.

Connor, K. M., & Davidson, J. R. (2003). Development of a new resilience scale, the connor-davidson resilience scale (CD-RISC), *Depress Anxiety*, 18(2), 76-82.

Diener, E., & Chan, M. Y. (2011). Happy people live longer: subjective well-being contributes to health and longevity, *Applied Psychology, Health and Well-being*, 3(1), 1–43.

Doaie, H., & Azizi, M. (2012). The impact of spirituality at work on organizational citizenship behavior with emphasis on organizational commitment, *Transformation Management Journal*, 4(8), 29-50. (in persian)

Emmonz, R. A. (2000). Is spirituality an intelligence: motivation and the psychology of ultimate concern, *Theinternational Journal for the Psychology of Religion*, 10(1), 3-26.

Fatemi, S. Z., & Moshbaki Esfehni, A. (2014). Investigating the mediator role of organizational justice in relation of spirituality at work and organizational commitment, *Transformation Management Journal*, 6(12), 29-48. (in persian)

Garg, P., & Rastogi, R. (2009). Emotional intelligence and stress resiliency: A relationship study, *International Journal of Educational Administration*, 1(1), 1-16.

Gharehbaghi, N., & Rahimnia, F. (2013). A survey of the mediation role of emotional intelligence of managers in the impact of transformational leadership style on employees' contextual performance, *Transformation Management Journal*, 5(10), 25-44. (in persian)

Goleman, D. (2001). *Emotional intelligence*, Parsa, N. Tehran: Publications of Roshd. (in persian)

Hassanzadeh, T.; Seyed Danesh, S. Y., & Ilbeygi Asli, N. (2014). Investigation of the relationship between job stressors and withdrawal behaviors of employees in Guilan directorate of fishery, *Transformation Management Journal*, 6(12), 113-134. (in persian)

Joukar, B. (2007). The mediating role of resilience in the relationship between emotional intelligence and general intelligence in satisfaction with life, *Contemporary psychology*, 2(2), 3-12. (in persian)

Keshavarzi, S., & Yousefi, F. (2012). The relationship between emotional intelligence, spiritual intelligence and resilience, *Journal of Psychology* 63, 16(3), 299-318. (in persian)

Khalatbary, J.; Bahari, S. (2010). The relationship between resilience and life satisfaction, *Journal of Educational Psychology*, 2, 83-94. (in persian)

Kiamersy, A., & Momeni, S. (2013). Evaluate the relationship between social capital and happiness and academic achievement in female high school students, *Journal of School Psychology*. 2(1), 119-130. (in persian)

King, D. B. (2008). *Rethinking claims of spiritual intelligence: a definition, model, & measure*, unpublished master's thesis, TrentUniversity: Peterborough, Ontario, Canada.

Kord Naeij, A.; Khanifar, H.; Zeraatkar, S., & Raf'ati Alashti, K. (2012). Spiritual Intelligence and its relationship with organizational citizenship behavior: Islamic Republic of Iran Broadcasting, *Resource Management Journal*, 2(2), 127-147. (in persian)

Kumari, P. (2015). A Study on impact of resilience capacity on job performance of executives in the pharmaceutical industry, *International Journal of Management and Social Sciences Research*, 4(4), 27-34.

Luthar, S. S.; Cicchetti, D., & Becker, B. (2000). The construct of resilience: a critical evaluation and guidelines for future work, *Child Development*, 71(3) 543-563.

Lyubomirsky, S.; Sheldon, K. M., & Schkade, D. (2005). Pursuing happiness: the architecture of sustainable change, *The General psychology*, 9(2), 111- 131.

Mashaekhi Dolat Abadi, M., & Mohamadi, M. (2014). Resilience and spiritual intelligence as predictors of academic self-efficacy in urban and rural students. *Journal of School Psychology*, 3(2), 205-225. (in persian)

Masten, A. S. (2001). Ordinary majic: resilience processes in development, *American Psychology*, 56, 227-238.

Masten, A. S.; Best, K. M., & Garmezy. (1990). Resilience and development: contributions from the study of children who overcome adversity, *Development and Psychology*, 2(4), 425-444.

Mandell, B., & Pherwani, S. h. (2003). Relationship between emotional intelligence and transformational leadership styles: a gender compression, *the Journal of Business and Psychology*, 17, 387-404.

Mikaili, N.; Mokhtarpour, E., & Mayssami, S. (2012). The role of perceived social support, coping strategies and resilience in predicting the quality of life in patients with multiple sclerosis, *New findings in psychology*, 7(23), 5-17. (in persian)

Mozafarinia, F.; Shakoory, A., & Heydar Nia A. R. (2014). The relationship

between spiritual health and happiness. *Journal of Health building community health education*, 2, 97-108. (in persian)

Petrides, K. V., & Furnham, A. (2001). Trait emotional intelligence: psychometric investigation with reference to established trait taxonomies, *European Journal of Personality*, 15, 425-448.

Pietrowsky, R., & Mikutta, J. (2012). Effects of positive psychology interventions in depressive patients a randomized control study, *Psychology*, 3(12), 1067-1073.

Pratima, M., & Kamla. V. (2014). A Review study of spiritual intelligence, stress and well-being of adolescents in 21 century, *International Journal of Research in Applied, Natural and Social Sciences*, 2(4), 11-24.

Rojas, M. (2007). Heterogeneity in the relationship between income and happiness: a conceptual-referent-theory explanation, *Journal of Economic Psychology*, 28(1), 1- 14.

Roshandel Arbatani, T. (2007). What is media manager, *Media Quarterly*, 70, 20-9. (in persian)

Rutter, M. (1999). Resilience concepts and findings: implications for family therapy, *Journal of Family Therapy*, 21, 119-144.

Shafiezadeh, R. (2012). Resilience relationship with the big five personality factors, *Knowledge and research in applied Psychology*, Thirteenth year, 3, 95-102. (in persian)

Shojaei, M. R., & Emadi, S. M. (2014). A study of relationship between emotional intelligence and innovative work behavior of managers, *Management Science Letters*, 1449-1454.

Sisk, D. (2008). Engaging the spiritual intelligence of gifted student to bould global awareness in the classroom, *Roepser Review*, 30 (1), 24-30.

Tabarsa, G. A., & Karkbandy, M. (2014). Relationship between spiritual intelligence and burnout (the case of Imam Khomeini Committee), *Enterprise resource management research*. 4 (4), 109-135. (in persian)

Taghizadeh Yazdi, M.; Soleimani, A. (2015). Application of canonical correlation to examine the relationship between emotional intelligence and commitment to organizational behaviour, *Public Administration Faculty of Management Tehran University*. 7(2), 211-228. (in persian)

Vaughan, F. (2001). What is spiritual intelligences? *Journal of Humanistic psychology*, 42 (2), 15-30.

Waller, M. A. (2001). Resilience in ecosystemic context: evolution of the child, *American Journal of Orthopsychiatry*, 71, 290-297.

Yang, K., & Mao, X. (2007). A study of nurse's spiritual intelligence: a cross sectional questionnaire survey, *International Journal of Mursing Study*, (44), 999_1010

- Yaghoubi, A. (2010). Relationship between spiritual intelligence with the happiness of students: Boo Ali Sina University in Hamedan. *Journal of Research in Educational System*, 4(9), 85 -95. (in persian)
- Zahed, B. A.; Rezaei, J. H., & Herfati, S. R. (2012). Relationship between Attachment to God and resiliency with significant with student life, *Knowledge and Research in Poor Valid Application*, Thirteenth year, 3, 75-85. (in persian)
- Zarei Matin, H.; kheirandish, M., & Jahani, H. (2011). Identify and measure the components of spiritual intelligence in the workplace: a case study in Tehran labbafinejad hospital. *Research General Manager*, 12(4), 71-94. (in persian)
- Zohar, C. D., & Marshall, I. (2000). *Connecting with our spiritual intelligence*. NewYork: Bloomsbury, Retrieved from: medind.nic.in/jak/t06/i1/jakt06i1p227.pdf.